پر فایده بودن بحث از رمز اختلاف در روایات عدد

اما برای «لتکملوا العدة» که در روایات آمده چه کار کنیم؟

شاگرد: دیروز فرمودید که روایات عدد اعراض شده، عبارت مرحوم سید را که از مرحوم مفید نقل می‌کنند که در سال سیصد و شصت و سه، فقها این روایات عدد را صحیح می‌دانستند و به آنها عمل می‌کردند. اساتیدشان را اسم می‌آورند؛ مثل مرحوم ابن قولویه، مرحوم تلعکبری و ... . لذا این اعراض چه جور صورت می‌گیرد؟

استاد: ببینید در زمان سید بن طاووس ایشان می‌گویند احدی به آن قائل نیست. وقتی در زمان ایشان اینطور بوده، در زمان ما که به طریق اولی است.

شاگرد: از خصوص آن زمان چند آدرس فرستادم؛ بعضی از آنها معلوم بود که اگر تمام ماهها باری بود، شما از ماه رمضان گذشته بشمار. خیلی روایت در مورد «غمّ‌ألشهور کلها» داریم.

استاد: دنبال فرمایش شما این است: روایات کامل شهر و عدد، که یک شهر را تام بگیریم، یک شهر را ناقص بگیریم؛ ای نه، چون شهر مبارک شهر فرض است و فرضه است باید تام باشد. به دلالتهای مختلفی که در روایات آمده است. خودش فی حد نفسه محل تدبی است برای کسانی که فقه کار می‌کنند. یعنی از عجائب موارد است. چرا عرض می‌کنم محل تدبر است؟ جلوترها هم گفته بودم. اگر اینها را در فقه دسته‌بندی کنیم خیلی نفع می‌بریم. جاهایی که از نظر خروجی کار و فتوا و عمل، به اختلاف و شتات منجر نمی‌شود؛ ولو در یک عصر خاصی. اما از نظر بحث سنگین، اینها برای فضای فقه و طلبگی خیلی پر فایده است. اینها را در فقه شماره بندی کنید تا راجع به اینها کار شود. الآن روایات عدد یکی از آنها است. یک دیدگاه معلوم است که اینها را کنار گذاشته‌اند. به تعبیر صاحب جواهر «استقر علیه المذهب» دیگر چه کسی می‌آید بگوید یک روز تام است؟! اینها یک امر بسیار روشن است. بسیار خب! پس چه کار داریم وقتمان را تلف کنیم؟! این مانعی ندارد. این یک جور دیدگاه است.

یک دیدی که من عرض می‌کنم این است: اتفاقا خوبی بحث همین است. حال که استقرار مذهب بر آن شده، ما از نظر عملی قرار نیست که با چالش مواجه شویم، حال می‌خواهیم بحث علمی کنیم درجایی‌که مسلم است بحث ما منجر به اختلاف فتوا نمی‌شود، رمز این همه مطالب سنگین در اینجا چیست؟ به‌دست‌آوردن رموز این اختلافات سنگین ما را در جاهای دیگری که می‌خواهد سبب تفاوت شود کمک می‌کند.

مثلاً در نزح بئر الآن می‌گویید کسی نمی‌گوید چاه نجس شد. می‌گوییم بسیار خب چه بهتر؟! حال که کسی نمی‌گوید آن را رها کنیم؟! نه، برعکس. در فضای فقه روی اینها باید بیشتر ساین بدهیم چون می‌خواهیم از آنها رموز اختلاف را به دست بیاوریم. آن جاهایی که سبب اختلاف است را به دست بیاوریم.

شاگرد: رموز اختلاف، یعنی اختلاف با ...؟

استاد: بله. اصل اینکه اینها پیش آمده است. مختلف هم هست. شبیه همانی که از مرحوم آسید علی نجف آبادی که مکرر عرض کردم. حاج آقا میفرمودند به نجف رفته بودند و میگفتند خطوط اساتید و مشایخ نجف را بیاوری، بعد میگفتند مبیضه را نیاوری. آن چه که پاک نویش شده را نیاوری. همان مسودة را بیاوری. بعد این جمله بزرگ را گفتند؛ البته من کسی نیستم که نسبت به آسید علی چیزی بگویم. عالم بزرگی بودند. فهم خودم را عرض میکنم. این جمله ایشان دلالت دارد بر کمال علو علمی آسیدعلی نجف آبادی. خیلی چیزها در این حرف است. بعد از اینکه مسودة را گفتند، چه گفتند؟ گفتند من از آن جایی که خط زدهاند و اصلاح کردهاند، بیشتر استفاده میکنم تا آن جایی که مطلب گفته اند. این جمله را یک عالم بسیار بزرگ گفته است. یعنی چه؟ یک عالم خودش اشتباه کرده و خط زده، اما شما میگویی آنها را بیاوری؟! خب او که اشتباه کرده، شما دوباره اشتباه میکنید؟! من باشم همین را میگویم. خب بروی مبیضه را بگیری. خودش اشتباه کرده و خط زده، اما شما میگویی نه، آنها را بیاوری که من بیشتر استفاده میکنم؟! این است که آسیدعلی به امثال من میگویند متوجه نیستی که من چه استفادهای میکنم! یعنی چه؟ یعنی من دارم میبینم چه شد که آن را نوشت؟ چه شد که برگشت؟ رمز اینکه اول اشتباه کرد چه بود؟ اینها خیلی اهمیت دارد. الآن هم در این فضاهای علمی رمزیابی اینها خیلی اهمیت دارد.

بازبینی #2
ایجاد شده 21 آوریل 2026 13:56:25 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 آوریل 2026 13:58:05 توسط ... .